

تأثیر ساختار سه گانه‌ی سوره‌ی حمد بر آغازیه‌های نظم و نثر فارسی

دکتر محمد ریحانی

غلام رضا معروف

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

کتاب‌های مقدس ادیان بزرگ با کیفیتی ویژه آغاز می‌شوند و دست کم شامل یکی از ساختارهای تسمیه، ستایش و نیایش هستند. این ویژگی، شیوه‌ای دیرینه است که در پرتو سوره‌ی حمد بر ادبیات مسلمانان تأثیری آشکار گذارده و به یک سنت ادبی تبدیل شده است که ما آن را **آغازیه** می‌نامیم.

در ادب فارسی، بسمله سوره‌ی حمد بر سرآغاز بسیاری از مثنوی‌های حماسی و غنایی و الحمدلله ربّ العالمین تقریباً بر یکایک آثار مثنوی کلاسیک و بخش پایانی سوره‌ی حمد که نیایش است، بر آغازیه‌های نظم تأثیر بیشتری داشته است. این ساخت سه‌گانه تاکنون مورد توجه اهل تفسیر و بلاغت قرار نگرفته و استفاده از اصطلاح **تحمیدیه**، سبب شده هر سه ساختار، تحمیدیه قلمداد شوند.

این پژوهش با بررسی آغازیه‌ی حدود بیست هزار نسخه‌ی خطی، بر پایه‌ی ساختار کتاب‌های مقدس، برای نخستین بار آغازیه را تعریف می‌کند، تفاوت آن را با تحمیدیه و انگیزه‌های آغازیه نویسی و اجزای آن را بیان می‌کند، از نظر این پژوهش فردوسی نخستین آغازیه سرا و نظامی نقطه‌ی عطف و اوج آغازیه سرایی است.

کلید واژه‌ها: سوره‌ی حمد - تسمیه - ستایش - نیایش - آغازیه - تحمیدیه - نظم و نثر فارسی

کتاب‌های مقدس ادیان را می‌توان یک از بنیان‌های استوار زبانی، ادبی و فکری ادبیات جهان دانست، اگر به ساختار کتاب‌های مقدس ادیان بزرگی چون هندو، زرتشت، یهود، مسیح و اسلام دقت کنیم، درمی‌یابیم،

ریگ ودا، اوستا، تورات، انجیل یوحنا و قرآن با کیفیت ویژه‌ای آغاز شده‌اند.^۱ این کیفیت می‌تواند شامل یکی از سه نمود **تسمیه** (آغاز کار با نام خدا یا بسمله گفتن)، **تحمید** (ستایش) و **نیایش** یا ترکیبی از این‌ها باشد. که در این پژوهش آن را به عنوان سنتی دیرینه مطرح می‌کنیم و آغازیه می‌نامیم. به اعتبار گنجایش محتوا، پربرترین شیوه‌ی آغازیه، به ترتیب تسمیه، سپس تحمید و در پایان، نیایش است و ناب‌ترین گونه‌ی آغازیه را در پیوند سه‌گانه‌ی این مفاهیم می‌توان دید.

در بین آغازیه‌های کتاب‌های آسمانی، سوره‌ی حمد را باید بی‌مانندترین آغازیه دانست، زیرا این سوره توانسته است هر سه ساختار آغازیه را به زیباترین شکل ممکن کنار یکدیگر گوهر نشان کند، در یک نگاه ساده و گذرا به تفسیرها و تأویل‌های گوناگونی که درباره‌ی سوره‌ی حمد صورت گرفته، درمی‌یابیم تا کنون هیچ یک از پیشینیان یا معاصران در دانش تفسیر و علوم قرآنی چنین نگاهی به آغازیه‌ی قرآن^۲ (سوره‌ی حمد) نداشته‌اند. از این چشم انداز، این سوره نخست با فشرده‌ترین حالت معنا، یعنی تسمیه (بسم الله الرحمن الرحیم)، «به لفظ اندک و معنی بسیار»، آدمی را در برابر عظمت پروردگار قرار می‌دهد، در پی این حیرت، به انسان می‌آموزد چگونه زبان به ستایش خداوند بگشاید؛ (الحمد لله رب العالمین) بنابراین نخستین ستایش نامه‌ی اسلامی در این سوره رقم می‌خورد^۳ و در پایانه‌ی این سوره، در پرتو گسترش یافته‌ترین شکل آغازیه یعنی نیایش، صنعت التفات حضور می‌یابد. (ایاک نعبد و ایاک نستعین...) به اعتبار این که هنگام نیایش نیازها و خواسته‌های بشری بر زبان جاری می‌شود، تعداد واژه‌ها نسبت به تسمیه و ستایش افزایش می‌یابد.

اگر چه حضور سنت آغازیه نویسی را در آثار نوشتاری ایران باستان، به ویژه مزدیسنان می‌توان دید،^۴ با ظهور اسلام، غنای ساختاری و محتوایی سوره‌ی حمد بر ادبیات عربی و فارسی تأثیری به سزا گذارده است.

۱. برای مشاهده و مقایسه ر.ک: الف - ترجمه‌ی گزیده‌ی سرودهای ریگ ودا. (۱۳۷۲). قدیمی‌ترین سند زنده‌ی مذهب و جامعه‌ی هندو.

تحقیق، ترجمه و مقدمه: سید محمدرضا جلالی نایینی. تهران: نقره. ب - اوستا. (۱۳۷۹) گزارش و پژوهش: جلیل دوست‌خواه تهران: مروارید. ج - کتاب مقدس. (۲۰۰۲). عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه‌ی قدیم. بی‌جا: ایلام. د- قرآن

۲. این تعبیر از آن دکتر امیر سلمانی رحیمی است.

۳. از آنجا که سوره‌ی حمد پنجمین سوره‌ی نازل فرود آمده بر پیامبر است با بررسی چهارسوره‌ی قبل (علق، قلم، مزمل، مدثر) می‌توان فهمید الحمد لله رب العالمین نخستین نمونه‌ی ستایش است که به پیامبر اسلام و امتش آموزش داده شده است.

۴. سنت آغازیه نویسی علاوه بر اوستا در بسیاری از کتاب‌های زرتشتیان همچون **مینوی خرد**، **ارداویراف نامه**، **بندehشن**، **یادگار زریران**، **ماتیکان یوشت فریان**، به چشم می‌خورد. ر.ک: بهار، محمد تقی (۱۳۷۹). **ترجمه‌ی چند متن پهلوی** به کوشش محمد گلین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد. هم چنین در آثار مانویان نیز توجه ویژه به آغازیه نویسی و اهمیت آن انکارناپذیر است. ر.ک: **زبورمانوی**. (۱۳۷۵). گردآوری

پس از ورود اسلام به ایران، در دوره‌ی تازه‌ی ادب فارسی، آغازیه‌ها با پیروی از ساختار و محتوای سوره‌ی حمد، رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرد. به طوری که با حضور شاه‌نامه، ترجمان فارسی بسمله در آغاز برخی آثار منظوم پدیدار می‌شود و محتوای الحمدلله در یکایک آثار مثنوی فارسی نمایان می‌گردد، زیرا تقریباً همگی آن‌ها با ستایش خداوند آغاز شده‌اند. این شیوه که در نظم و نثر رواج یافته است، رفته رفته به یک سنت ادبی تبدیل می‌شود که تاکنون مورد توجه هیچ یک از دانایان دنیای ادب پارسی قرار نگرفته است. و متأسفانه اهل ادب با به کار بردن اصطلاح نا کارآمد **تحمیدیه**، تاکنون شتاب زده از کنار هر سه حالت ممکن یک آغازیه گذشته‌اند. حال آن‌که اصطلاح برساخته‌ی **تحمیدیه** نمی‌تواند این سه گونه‌ی متفاوت را در خویش جای دهد و عنوان **آغازیه** یا **آغازنامه** می‌تواند جایگزین مناسبی برای **تحمیدیه** باشد.

در این مقاله نخست درباره‌ی **آغازیه**، تفاوت آن با **تحمیدیه**، انگیزه‌های دینی این رفتار زبانی، بحث و کند و کاو می‌شود، سپس بر پایه‌ی جست‌وجوهای کتاب‌خانه‌ای با مقایسه‌ی بسیاری از نمونه‌های موجود، ساختار و اجزای آن معرفی می‌گردد و در پایان به استناد آثار موجود، فردوسی به عنوان نخستین **آغازیه** سرا و نظامی به عنوان نقطه‌ی عطف و اوج **آغازیه** سرایی در ادب پارسی معرفی خواهند شد.

آن‌گونه که متن‌های به‌دست آمده از دیرگاه تیره‌ی تاریخ تاکنون نشان می‌دهند پدیده‌ی علمی-ادبی و دینی **آغازیه‌نویسی** از دیرباز در ذهن و ضمیر فرهنگ و تمدن بشری جریان داشته و نگارندگان به اندازه‌ی توان در آثار برجسته، آن را به کار گرفته‌اند. از آغاز دوره‌ی اسلامی و نخستین روزهای پایه‌گذاری ادب فارسی، نگارندگان با اثر پذیری از سوره‌ی حمد، هم‌چنین تکیه بر زیر ساخت‌های فرهنگ ملی خود، دست به کار آفرینش **آغازیه‌های تازه‌ای** شده‌اند که سراسر ادبیات این دیار، بدان آراسته است. نظیر این شیوه در ادبیات عرب هم دیده می‌شود و دبیران مسلمان، همواره به این رویه پای‌بند بوده‌اند. بر پایه‌ی دستورات دینی، به‌کارگیری این رسم در خود آگاه ضمیر تاریخی فرهنگ ایرانی - اسلامی، به‌روشنی نمایان است و در آیین‌های پندار و گفتار پارسی‌گویان حضوری پررنگ دارد، ولی تاکنون پژوهش‌گران ادب فارسی، هنگام تجزیه‌ی یک اثر ادبی، چنین مقامی مستقل برای آن قایل نشده و بدین گونه آن را بررسی نکرده‌اند و در نتیجه این مفهوم از فرط آشکاری از نگاه‌ها دور مانده است.

البته دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، در کتاب *سرنی* - آن‌جا که از آغاز مثنوی سخن می‌گوید- به‌طور غیر مستقیم، مفهومی از آغازیه را، در دل کلام خود جای می‌دهد. او در درون‌مایه‌ی کلامش به این شیوه‌ی مرسوم اشاره دارد ولی نامی برایش برنمی‌شمارد و آورده‌است: کتاب، باید با عباراتی آغاز شود که در ظاهر مفهوم بسمله و تحمید از آن برداشت شود. (زرین‌کوب، ۱۳۸۱ص ۱۷) و هویداست که او در ناخود آگاه اندیشه این سنت ادبی «غایب از نظر» را کاملاً پذیرفته است که البته باید مفهوم نیایش را نیز به آن افزود.

افزون بر این در میان *انواع ادبی*^۱ نیز جای خالی آغازیه دیده می‌شود. از آنجا که مهم‌ترین ویژگی علم، تجزیه و سپس، دسته‌بندی یافته‌هاست و این مهم، در ادبیات، به‌وسیله‌ی انواع ادبی انجام می‌شود. (شمیسا، ۱۳۷۳، ص ۱۳) از این رو همان‌گونه که آثار ادبی از نظر درون‌مایه (*fond*) و برون‌مایه (*form*) در انواعی دسته‌بندی می‌شوند، اجزای یک کتاب (به‌ویژه یک اثر ادبی) هم بر پایه‌ی نظم و قانونی کنار هم می‌نشینند. برای نمونه یک قصیده که یک گونه‌ی مستقل ادبی است خود به اجزایی هم چون: مطلع، تشبیب، تغزل، تخلص، پیکره و مقطع تجزیه می‌شود، از همین چشم انداز هر کتابی باید مقدمه و مؤخره‌ای متناسب با متن داشته باشد و چون در بیشتر کتاب‌ها آغازیه، یکی از اجزایی است که ساختمان و هندسه‌ی ویژه‌ی خود را دارد و تجلی آن بر پیشانی آثار منظوم و مثنوی نمایی ویژه به آن می‌بخشد.

نگارنده، هرگز مدعی نیست که این گونه‌ی ادبی را کشف کرده است، بل که تلاش دارد تعریفی جامع و مانع از آن به‌دست دهد، تا بتواند پژوهش‌های علمی را در دایره‌ی ادبیات ریزتر و ژرف‌تر کند. بنابراین می‌توان آغازیه^۲ را به‌عنوان یک سنت کهن ادبی و گونه‌ای از انواع ادبی که در کتاب‌های آسمانی پیشینه دارد، چنین تعریف کرد:

آغازیه، آراستن ابتدای هر متن مدون نوشتاری است که با جلوه‌هایی از نام و یاد خدا آمده باشد. این جلوه‌ها می‌تواند یکی از گونه‌های: *تسمیه*، *تحمیدیه*، *نیایش* و یا ترکیبی دوگانه یا سه‌گانه از این‌ها باشد:

۱- *آغاز متن با نام خدا و انتساب اثر به او*، که آن را *تسمیه می‌نامیم*؛ در فرهنگ اسلامی، بسمله سوره‌ی حمد معیاری است که بر همه‌ی متن‌های اسلامی پس از خود تأثیری شگرف و غیرقابل انکار گذارده

۱. ر. ک: (شمیسا، ۱۳۷۳؛ انواع ادبی) همچنین (رزمجو، ۱۳۷۰؛ انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی)

۲. یکی از اصطلاحاتی که در کنار آغازیه می‌توان به کارگرفت ترکیب *سراغاز* است، به عبارتی بیت آغازین یک آغازیه‌ی منظوم را می‌توانیم *سراغاز* بخوانیم که البته ما این ترکیب را از نظامی‌گنجوی در مثنوی لیلی و مجنون وام می‌گیریم که ویژه‌ی نظم فارسی است و در نثر کاربردی ندارد. در نمونه‌های منظوم سعی بر آن است که *سراغازها* کامل نقل شود.

است، این آیه که شاه‌کلید قرآن و کلید کلیدهاست آغازگر کل قرآن و اجزای آن (سوره‌ها) است. از این رو طبیعی است که محتوای آن، در حریر آرایه‌ها و پوششی از مضامین ارزشمند و زیبا، آغاز بسیاری از نوشته‌ها را زینت ببخشد.

از چشم انداز دانش نحو، تسمیه، صیغه‌ی منحوت^۱ از بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، مترادف به نام خدا گفتن است و در شمار کلماتی چون: استثنا (ان‌شاء الله گفتن)، استرجاع (أنا لله و أنا الیه راجعون گفتن)، تهلیل (لا اله الا الله گفتن) و... است که بنا بر اصل کم کوشی در زبان، پدید آمده است.

بر همین پایه، بسمله، یعنی بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم و تسمیه به معنای گفتن بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم است و این عبارت، آیه‌ی تسمیه خوانده می‌شود. (خرمشاهی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴) بنابراین چون معادل فارسی مناسبی برای این مفهوم نیافته و نساخته‌ایم، تمام عبارت‌هایی را که بیان‌گر نام خدا و انتساب به او باشند، تسمیه می‌خوانیم.

می‌توان در آثار منظوم تسمیه‌ها را در چهار گروه دسته‌بندی و بررسی کرد:

۱-۱- آثاری که مستقیم و بدون تغییر، کل آیه‌ی بسمله را بی‌کم و کاست در سرآغاز نوشتار خود جای داده‌اند. قابلیت موسیقایی این آیه چنان است که هنگام بیان، با ایجاد تغییر در مقاطع آوایی، هم می‌تواند در بحر سریع خوانده شود، هم در بحر رمل. به عبارت دیگر، این آیه هنگام خوانش حالت ذوب‌حیرین دارد. این آثار بر پایه‌ی وزنی که شاعر برای آیه‌ی بسمله در نظر می‌گیرد در دو گروه جای می‌گیرند:

الف: سرآغازیه‌هایی که آیه‌ی بسمله در آنها با وزن **مفتعلن مفتعلن فاعلان**، در بحر سریع مسدس مطوی موقوف، خوانده می‌شوند، که پیشوا و مقتدای این شیوه، همانا حکیم نظامی گنجوی است:

مخزن الاسرار، (ق: ۶) - **بسم الله الرحمن الرحيم هست کلید در گنج حکیم (نظامی)**، نقل در امینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۳۱^۲

^۲ نحت، در لغت به معنای تراشیدن است و در اصطلاح به کلمه‌ای می‌گویند که مفهوم یک ترکیب را به تنهایی در خود جای داده باشد، مانند بسمله که به معنای بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم گفتن است. (یعقوب، امیل بدیع. ۱۳۸۵ هـ ش). موسوعة النحو و الصرف و الاعراب. تهران: استقلال. مدخل «نحت»

^۱ بیت‌های سرآغاز و عبارت‌های آغازین منشور فارسی از کتاب **آغازنامه** (فهرست آغاز نسخه‌های خطی، ج ۳؛ نسخه‌های فارسی) زیر نظرسیدحسین مرعشی نجفی، چاپ کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی که آغاز حدود بیست هزار نسخه‌ی خطی در آن آمده است، پایه‌ی کار این پژوهش است، البته در تکمیل این جستجو از سایت بانک اطلاعات نسخ خطی شیخ آقابزرگ تهرانی aghabozorg.ir و سایت سازمان اسناد

این ساخت از بسمله، که باید در بحر سریع خوانده شود و مصرع آغازین آن ثابت است؛ در ۱۸۵ اثر دیگر هم دیده می‌شود^۱ ولی مصرع دوم آن هر بار با مفهومی نو، آغازیه‌ای تازه آفریده است این کاربرد در میان آغازیه‌های منظوم پُر بسامدترین جلوه‌ی بسمله به شمار می‌آید. نظامی حکیم، چنان اثری بر شاعران پس از خود دارد که گاهی عده‌ای سعی کردند ضمن پیروی از وی، ساختاری را که او بنیان نهاده است دست‌خوش دیگرگونی کنند، از این رو در چنین نمونه‌هایی، آیه‌ی بسمله را در مصرع دوم می‌بینیم:

مثنوی (ق:۱۳) - عقده گشای همه امر عظیم بسم الله الرحمن الرحيم.^۲ (محمد قاسم هالائی سندی، ص ۸۸۷)

تردیدی نداریم نظامی توانسته است، شاعران پس از خود را سر ذوق بیاورد تا در این میدان طبع آزمایی کنند، از این رو، گاهی شاعر، با افزودن واژه‌ای مکمل همچون «هست» وزن شعر را استحکام می‌بخشد:

گنج نامه، (ق:۱۱) - مطلع دیباچه‌ی حمد قدیم هست بسم الله الرحمن الرحيم.^۳ (نقشبندی، ص ۹۷۰)

ب: سرآغازیه‌هایی که آیه‌ی بسمله را در بحر رملِ مسدسِ مقصور؛ وزنِ فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلان، گنجانده‌اند. از این ساختار تُه نمونه در دست داریم:

رساله‌ی عرفانی، (ق:۷) - بسم الله الرحمن الرحيم آیت توفیق سلطان عظیم.^۴ (محیی الدین بن عربی.. ص ۲۲۰)

و کتاب‌خانه‌ی ملی ایران nlai.ir نیز بهره‌ها گرفته‌ایم. در ادامه به ذکر نام نویسنده و شماره‌ی صفحه‌ی این مأخذ بسنده می‌کنیم. در مواردی که متن آغازیه در این مأخذ کامل نبوده با شیوه‌ی متداول ارجاع داده خواهد شد و با توجه به اینکه در هر کتابی آغازیه‌ها، جای مشخصی دارند، از آوردن شماره‌ی صفحه خود داری خواهد شد.

^۲ . ر.ک. ص ۲۲۰ تا ۲۳۲ در جلد سوم آغازنامه.

^۳ همچنین در جلد سوم آغازنامه ^{رک:} (مظهر آثار؛ مولف ناشناخته. ق: [] ص ۱۰۳۸) (مثنوی نیاز؛ محیی الدین وامق بلگرامی، ق: ۱۳. ص ۹۸۹) (شمع محفل؛ میرحیات. ق: [] ص ۱۰۳۷) (احسن التحف؛ فنایی. ق: [] ص ۹۵۶) و...

^۴ . همچنین در جلد سوم آغازنامه. ر.ک: (المنطق، مولف ناشناخته، ق: [] ص ۲۵۳) (احسن المنظومه؛ پیری. ق: [] ص ۱۰۳۷) (هشت بهشت؛ بدلیسی. ق: [] ص ۱۰۳۷) (مثنوی اسرارالشهد؛ اسیری لاهیجی. ق: [] ص ۱۰۳۷) (مثنوی زبده الاسرار؛ صفی علی شاه، حسن بن محمد باقر اصفهانی. ق: ۱۴ ص ۹۷۰) و...

۱. همچنین در جلد سوم آغازنامه ر.ک. (اثبات واجب؛ عماد بن عبدالله. ق: ۱۱. ص ۲۲۴) (مشاهده؛ عبدالله تابع حسینی اوحدی، ق: ۱۳. ص ۴۲ و ۲۲۰) (مثنوی جنات الوصال؛ نظام علی‌شاه کرمانی. ق: ۱۳. ص ۲۲۶) (دُر بحر الحیاة؛ عماد بن عبدالله، ق: [] ص ۲۲۳) (بحر الحقایق؛ گلشنی. ق: []

ج : یک نمونه نیز از عبدالرحمان جامی، در دست داریم که با افزودن واژه‌هایی به پیش و پس بسمله، بخشی از این آیه را در مصرع اول جای داده و بخش دیگر را به مصرع دوم برده است:

سبحه‌الابرار، (ق: ۹) - ابتدا بسم الله الرحمن الرحيم المتوالی الاحسان (جامی، ص ۱۸)

۲-۱- آثاری که در سرآغازیه‌ی آنها، فقط برخی از کلمات آیه‌ی بسمله به کار رفته است:

کمال نامه، ق: [۸]. - بسم من لاله الا هو [صیغ لفظی و زین معناه] (خواجو [کرمانی]،

ص ۲۳۶)^۱

۳-۱ - آثاری که در برگردان بسمله به فارسی منظوم، شاعر به ساختار این آیه پای‌بند بوده و در سرآغازشان ترکیباتی چون: به نام خداوند... - به نام آنکه... آمده است:

شاه‌نامه، (ق: ۴) - به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد. (فردوسی، ص ۲۸۰)^۲

۴-۱ - آثاری که بدون حفظ ساختار، مفهومی از آیه‌ی بسمله را در خود جای داده‌اند. در این آغازیه‌ها

ترکیب به نام خداوند... در صدر بیت به کار رفته است:

سته، (ق: ۵ و ۶) - ابتدای سخن به نام خداست آن‌که بی‌مثل و شبیه بی‌همتا است. (سنایی غزنوی،

ص ۲۳)^۳

نمونه‌های تسمیه در نثر را بر پایه‌ی ترکیبات و عبارات آغازین در دو گروه می‌توان جای داد:

[ص ۲۲۵] (قبله‌ی اخبار، مولف ناشناخته، ص ۲۲۸) (مثنوی جنات الوصال؛ محمدعلی بن فضل‌علی نورعلی‌شاه طبسی اصفهانی، ق: [

ص ۲۲۱) (مثنوی جنات الوصال؛ محمدعلی نورعلی‌شاه طبسی، ق ۱۳، ص ۲۲۰) (رساله‌ی عرفانی؛ متن از: محیی‌الدین بن عربی، ق: ۷، ص ۲۲۰ و نیز در جلد سوم آغازنامه رک: (جواهر الاسرار؛ محمود بن محمد دهدار یا محمد بن محمود دهدار، ق ۱۰ یا ۱۱، ص ۲۸) (دیوان صائب، ق:

۱۱ ص ۵۳) (دیوان آزاد؛ میرغلام علی فرزند سید محمد نوح، آزاد بلگرامی واسطی، ق: [۱۲] ص ۲۰۹) و...

۳. و نیز در جلد سوم آغازنامه رک: (ورقه و گلشاه؛ عیوقی شیعی، ق: ۵، ص ۲۷۸) (مثنوی خسرو و شیرین؛ نظامی گنجوی، ق: ۶، ص ۲۷۳) (مثنوی مهرو مشتری؛ محمد بن احمد عطار تبریزی، ق: ۸، ص ۲۷۴) (چنگیزنامه؛ احمدی، ق: ۸، ص ۲۷۹) (مثنوی طلسم حیرت؛ عبدالقادر بیدل دهلوی، ق: ۱۱، ص ۲۷۰) (سلم السماوات؛ ابوالقاسم کازرونی، ق: ۱۱، ص ۲۷۶) (حملة‌ی حیدری؛ بمان علی راجی کرمانی، ق: ۱۳، ص ۲۸۰) و...

۴. و نیز در جلد سوم آغازنامه رک: (عقل‌نامه = سنایی آباد، منسوب به سنایی، ق: ۵ و ۶، ص ۲۱) (وصلت‌نامه، [منسوب به] عطار نیشابوری، ق: ۶، ص ۲۰) (دیوان سعدی شیرازی، ق: ۷، ص ۱۰۴) (دیوان کمال خجندی، ق: ۸، ص ۴۷) (دیوان محتشم، ق: ۱۰، ص ۱۴۶) (مثنوی حملة‌ی حیدری؛ ارجمند بن عبد الغنی آزاد کشمیری، ق: ۱۲، ص ۳۴۳) (مثنوی انوارالولایه؛ رضاقلی خان هدایت، ق: ۱۳، ص ۱۰۵) و...

الف: آغازیه‌هایی که با عبارت‌های کوتاه عربی آغاز می‌شوند و بلافاصله به واژه‌های فارسی پیوند می‌خورند:

نفی ذکر جهری (ق: ۸ و ۷) - **بسم الله و بحمده**، **أتوسلُ الی الحق المبین** - و به هیچ خلق‌شان باز نگذارد و بحق محمد و آله و صحبه اجمعین... (احمد بن محمد بن احمد سمنانی بیابانکی. ص ۲۳۳)^۱
ب: آغازیه‌های که با عبارت‌های عربی شروع نشده‌اند و اصل فارسی‌گرای در آنها دیده می‌شود:
رساله‌ی آداب المشق - صبا به عطر آمیزی رقم مُشکین بسم‌الله که سر دفتر ارقام مشک فام دیوان حمد و ثنای خالق بی‌چون است چون آفتاب تابان از مطلع رحمت بر جمله‌ی کاینات پرتو تجلی تافت... (میرعماد، ۲۵۳۶)^۲

۲- حمد و ستایش خداوند به‌نشانه‌ی اعتراف به عظمت پروردگار را ستایش یا تحمیدیه خوانده‌اند؛
آیه‌ی الحمد لله رب العالمین نخستین تحمیدیه‌ی قرآن و زیربنای همه‌ی ستایش‌های اسلامی است که بسیاری از نگارندگان پارسی زبان، ترجیح داده‌اند محتوای آن را به یاری آرایه‌ها بیارایند و در زبان و ادب فارسی به‌کار بگیرند. دیگران نیز ساخت‌های گوناگون عربی را در آغازیه‌های فارسی بی‌کم و کاست تکرار کرده‌اند چنان‌که از برون‌مایه و ساختار آوایی **الحمد لله رب العالمین** برمی‌آید و کمبود نمونه، ثابت می‌کند؛ این آیه نمی‌تواند مصرعی از شعر باشد. در بین همه‌ی ادیبان پارسی و تازی، سعدی تنها شاعری است که توانسته این آیه را زیرکانه در سرآغاز دفتر بدایع با سیمایی زیبا به کار برد:

- **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلِيٍّ مَا دَرَّ مِنْ نِعْمَةٍ عَزَّ اسْمُهُ وَعَلَا (سعدی، ۱۳۷۱)**

تحمید هم‌چون تسمیه، صیغه‌ی منحوت الحمد لله رب العالمین و هم‌سنگ واژه‌ی ستایش است، می‌توانیم ستایش را سخن گفتن از خدا بنامیم که خود دو چهره دارد:

^۱ و نیز رک. (رساله‌ی کشفیه؛ خواجه محمد پارسا نقشبندی. ق: ۹ و ۸ ص ۲۳۶) (مصایح الارواح؛ عامی شروی یزدی. ق: ۹ ص ۲۱۹) (مصطلحات الشعراء؛ وارسته سیالکوتی. ق: ۱۲ ص ۲۳۳) (نخبه‌ی سفینه؛ محمد علی قورخانچی. ق: ۱۴ ص ۲۳۲) (کفایة الاينام فی معرفة الاحكام؛ سید جعفر بن ابی اسحق موسوی کشفی دارابی. ق: ۱۳ ص ۲۱۹) و...

^۲ همچنین در جلد سوم آغازنامه رک. (مجلس چهارم از مجالس پنجگانه‌ی سعدی) (تفسیر عمر بن محمد نسفی. ق: ۶ ص ۹) (نوادرالادوار؛ محمد بن ایوب بن ابراهیم دبیری. ق: ۷ ص ۲۷۳) (دستور معما؛ شهاب‌الدین احمد بن نظام‌الدین حقیری هروی، ق: ۱۰ ص ۲۴۲) (داروهای آمیخته؛ فضل‌الله حسینی، ق: ۱۲ ص ۴۸) و...

۲-۱- ستایش آشکار- در این شیوه که رایج‌ترین گونه‌ی ستایش است، واژه‌های تقریباً نزدیک به معنای ستایش (حمد، ثنا، شکر، سپاس، منت و...)، به‌طور آشکار کنار نام و صفات خداوند جای می‌گیرند و بی‌پرده ثنای دوست را تصویر می‌کنند. این گونه از ستایش در نظم و نثر کاربرد فراوان دارد.

- منطق الطیر: آفرین جان آفرین پاک را آن‌که جان بخشید و ایمان خاک را. (عطار، ۱۳۸۴)^۱

ستایش‌های آشکار در نثر را می‌توانیم چنین دسته بندی کنیم:

۲-۱-۱- آغازیه‌هایی که با زبان عربی می‌آمدند و گاهی در ادامه به آغازیه‌ی فارسی پیوند می‌خوردند، اصلی‌ترین نمونه‌ی این گروه آیه‌ی الحمد لله رب العالمین است، دیگر ساخت‌هایی که در آغازیه‌های فارسی و عربی به کار رفته‌اند عبارتند از: الحمد لله + صفت‌های خداوند... - الحمد لله علی... - الحمد لله الذی + فعل... - الحمد لله لمن + فعل... - له الحمد... - احمد الله الذی + فعل... - احمد + صفت... - الحمد لله + والسلام... - احمدک اللهم... - احمدک یا + صفت... - احمد علی + ... - الله احمد علی... - نحمدک... - نحمدک یا... - نحمدک اللهم... - نحمدک اللهم علی + ... - نحمد ربنا... - اللهم انا نحمدک... - حمداً ل... - حمداً لک یا من + فعل... - حمداً لله + صفت... - اما بعد حمدالله... - بعد الحمد... - بعد حمدالله... - اما بعد...^۲

۲-۱-۲- آغازیه‌هایی که تقریباً در ترجمه‌ی لفظ به لفظ آیه‌ی تحمید، با ساخت (سپاس، ستایش، ثنا، شکر، منت، حمد، آزادی^۳، آفرین و...) خداوندی را که ... آغاز می‌شوند:

تحفة الغرائب، (ق: ۴) - حمد و سپاس، پادشایی را که عجایب صنع او بسیار و غرایب خلق او بی‌شمار است، ذرات موجودات و انواع مخلوقات را آفریدگار...؛ [محمد بن ایوب الحاسب]. ص ۶۶۷)^۱

^۲ همچنین در جلد سوم آغازنامه ر.ک. آغازیه‌ی (مثنوی ویس و رامین؛ فخرالدین اسعد گرگانی. ق: ۵. ص ۸۰۰) (مصیبت نامه؛ عطار نیشابوری. ق: ۶. ص ۳۹۰) (منطق الطیر؛ عطار نیشابوری، ق: ۶، ص ۱۰) (پندنامه‌ی عطار نیشابوری، ق: ۶، ص ۳۸۹) (نصاب- الصبیان؛ ابونصر فراهی، ق: ۷، ص ۷۵۹) (زبدة الرمل - معین الرمل - خلاصة الرمل؛ محمد معین خاقانی. ق: ۸، ص ۸۵۱) و...

^۳ برای مشاهده‌ی این آغازیه‌ها ر.ک: جلد اول و دوم آغازنامه (نسخه‌های خطی عربی) و جلد سوم (نسخه‌های خطی فارسی)

^۱ واژه‌ی آزادی مترادف با حمد هم در ترجمه‌ی سه قرآن خطی دو جلد مربوط به قرن هفتم و یک جلد مربوط به قرن دهم واژه‌ی آزادی همسنگ سپاس و ستایش به کار رفته است. ر.ک. (باحقی، محمدجعفر، ۱۳۷۷). فرهنگنامه‌ی قرآنی. ج ۲؛ ناظر. مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. ذیل مدخل حمد) همچنین در آغازیه‌ی کتاب. گزیده اثر طاهرین محمدخانقاهی در قرن ششم چنین به کار رفته است: سپاس و آزادی و شکر و ستایش مر آن خدای را ... (امینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۸۰۰)

۲-۱-۳- آغازیه‌هایی که به ترجمه‌ی لفظ به لفظ آیه‌ی تحمید، مقید نبوده‌اند، بل که حاصل معنا را از آن برداشت کرده‌اند. گاهی با این ترکیبات شروع می‌شوند: بحارِ حمد انواعِ حمد - امدادِ حمد...
التوسل الی الترسّل، (ق:۶) - صد هزاران شکر و سپاس خدای را تبارک و تعالی که مبادی ایادی و نعمای او غایات شکر را مستغرق گرداند... (بغدادی، ۱۳۱۵)^۲

۲-۲- ستایش در پرده - گونه‌ای دیگر از ستایش هنگامی است که تنها از صفت‌های خداوند سخن می‌رود و واژه‌هایی که بر ستایش دلالت دارند، در متن حضور ندارند. از آن‌جا که «حمد، توصیف پروردگار است به صفات اثباتی»^۳ بسنده کردن به یادآوری صفت‌های خداوند، ناب‌ترین گونه‌ی ستایش است، در این - نمونه‌ها کاربرد صفت به جای اسم، گونه‌ای از اقتصاد کلامی و ایجاز است؛ برای تأکید بر معنا، که می‌توان آن را یکی از جلوه‌های کم‌کوشی زبان دانست، این شیوه در کتاب‌های دینی و آسمانی بیشتر دیده می‌شود.^۴ درنظم و نثر فارسی نیز نمونه‌ی این گونه ستایش دیده می‌شود آغازیه‌ی دیوان سیف فرغانی چنین است:

آن خداوندی که عالم آن اوست	جسم و جان در قبضه‌ی فرمان اوست.
سوره‌ی حمد و ثنای او بخوان	کآیت عزّ و علا در شان اوست...
از جهان، کمتر ثناگوی وی است	سیف فرغانی که این دیوان اوست.

ترجمه‌ی اقوام المسالک: - بزرگ است خدائی که قرار داده است از نتایج عدل [معموریت را و تفضیل داده است و مزیت داده است نوع انسان را...]^۵ (حیدر علی فخرالادبا اصفهانی، ص ۲۱۷)

^۲ . برای نمونه رک: (سیاست نامه؛ [خواجه] نظام الملک ابوعلی بن حسن طوسی. ق:۵، ص:۷۹۶) (سندبادنامه؛ محمد بن علی ظهیری سمرقندی. ق:۶) (مرزبان نامه؛ سعد الدین وراوینی. ق:۷ ص:۶۵۹) (داستان‌های بیدپای؛ ترجمه‌ی [کلیله و دمنه]؛ [محمد بن] عبدالله ابوالحسن سمرقندی البخاری. [ق:۶] ص:۸۰۲) (تفسیر روح الجنان و روح الجنان - ابوالفتوح رازی. ق:۶، ص:۷۹۶) و...
^۳ . و نیز رک: اسطرلاب؛ غیاث الدین جمشید بن مسعود کاشانی. ق:۸، ص:۱۰) (فضایل اهل بیت؛ عنایت الله. ق: [۱۰]، ص:۲۷) (علاج الامراض؛ ناشناخته. ق: [۱۰]، ص:۹۷) (تحفة الالباء فی تذکره الاولیاء و الشرفاء؛ شیخ زین العابدین بن حسین سیاح گنجوی. ق: [۱۴]، ص: ۳۵۰) و...
^۴ . برگرفته از نرم افزار قرآنی سلام/پنجره‌ی دانستنی‌های قرآن/دایرةالمعارف/تفاوت تسییح و تحمید.
^۵ . رک. مزمور نود و هفتم از مزامیر داوود - نیایش آشم وهو در دفتر دوم اوستا - هم‌چنین آغازیه‌ی سوره‌های آل عمران، اسراء، فرقان، نحل، الرحمن، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و ملک از نمونه‌های آشکار این گونه ستایش هستند.
^۶ . قسمتی از متن که داخل قلاب قرار دارد در بانک اطلاعات نسخ خطی شیخ آقابزرگ تهرانی aghabozorg.ir و سایت سازمان اسناد و کتاب‌خانه‌ی ملی ایران nlai.ir شناسایی و نقل شد.

چنان‌که می‌بینیم، در این شیوه‌ی ستایش، با این‌که کاربرد صفت خود نوعی ایجاز و اقتصاد کلامی پدید می‌آورد، با آمدن صفت‌های پیاپی نوعی اطناب نیز به‌چشم می‌خورد، بنابراین ساختمان ستایش، گونه‌ای از ایجاز را در دل اطناب در خویش به نمایش می‌گذارد که خود ساختاری پارادوکسی است.

ستایش (تحمید)، سنت ویژه‌ی نثر است؛ بنابراین، همیشه در نثر دیده می‌شود، گرچه، در نظم هم فروانی چشمگیری دارد. ستایش‌ها از ساختار آیه‌های دوم تا چهارم سوره‌ی حمد «الحمد لله رب العالمین (۲) الرحمن الرحیم (۳) مالک یوم الدین (۴)» تأثیر گرفته‌اند.

۳- آغاز کتاب را با ذکر و دعا و ثنا به درگاه الهی نیایش می‌خوانیم - هنگامی که ستایش خداوند در آیه‌ی چهارم سوره‌ی حمد با عبارت (مالکِ یومِ الدِّین) به پایان می‌رسد، روی سخن از غیاب به خطاب (صنعت التفات) و لحن سوره از ستایش به نیایش تغییر می‌کند. در آیه‌های اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَاِیَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶)... که موضوع آن استمداد و دعاست و مخاطب آن یگانه‌ی هستی. با یک نیایش بی‌نظیر روبرو هستیم. از این‌رو پیشینه‌ی نیایش‌های آغازین را نیز در سوره‌ی حمد می‌یابیم. به نظر می‌رسد؛ نیاز و نیایش در فارسی باستان هم‌ریشه باشند. نیایش، سخن گفتن با خداست به زبان نیاز و تمنا. و این تمنا، هنگامی خوش‌تراست که سوز درون با ناله و نوای بیرون هماهنگ و همسو شود. از آن‌جا که بیشتر نیایش‌های بشری موزون بوده‌اند، قالب نظم، به خاطر انسجام و پویایی، بستر مناسب‌تری است برای آن‌که سمفونی نیایش‌های بشری را به سوی نقطه‌ی وحدت به حرکت درآورد. موسیقی نیایش، لفظ و معنا را در بر می‌گیرد، از این‌رو نیایش‌های آغازین، از ناب‌ترین نیایش‌ها هستند. بر پایه‌ی کلید واژه‌هایی که در صدر بیت ظاهر می‌شوند. در این آغازیه‌ها روی سخن سراینده با خداست. می‌توانیم نیایش‌های منظوم را در آغازیه‌ها چنین دسته‌بندی کنیم:

۳-۱-۱- نیایش‌هایی که با کلید واژه‌ی «الهی» آغاز می‌شوند:

انبیا نامه، (ق: ۱۰) - الهی به دل کامم از خامه ده
 نوای دل انبیا نامه ده (نویسنده ناشناخته،
 ص ۶۳)^۱

۳-۱-۲- نیایش‌هایی که با کلید واژه‌ی «ای» آغاز می‌شوند:

^۱ همچنین در جلد سوم آغازنامه. رک: (ساقی‌نامه‌ی رضی‌الدین آرتیمانی. ق: ۱۳. ص ۶۵)

حدیقه الحقیقه، (ق: ۵ و ۶) - ای درون پرور برون آرای ای خردبخش بی خرد بخشای. (سنایی، ص ۱۲۶)^۱

۳-۱-۳- نیایش‌هایی که با کلید واژه‌ی «خدا» آغاز می‌شوند:

اسکندر نامه، (ق: ۶) - خدایا جهان پادشاهی تراست زما خدمت آید خدایی تراست (نظامی گنجوی، ۱۳۸۵)^۲

۳-۱-۳- نیایش‌هایی که با کلید واژه‌ی «یا» آغاز می‌شوند:

دیوان صائب، (ق: ۱۱) - یارب از دل مشرق نورهدایت کن مرا از فروغ عشق خورشیدقیامت کن مرا (صائب، ص ۱۰۴۷)^۳

اگرچه بیشترین‌ی نیایش‌های آغازین، منظوم هستند، این شیوه در آثار مثنوی کمتر دیده می‌شود، در آغاز کتاب رند و زاهد اثر محمد سلیمان اوغلی فضولی می‌خوانیم:

ای بر تو سجود زاهدان وقت نماز وی رغبت رندان به تو هنگام نیاز

گر اهل حقیقت است و اهل مجاز هر کس به زبانی به تو می‌گوید راز

الهی! به حرمت زاهدان پاکیزه مذهب صومعه‌ی عبادت که رندان میکده‌ی معصیت را از نشئه‌ی جام فرح انجام توبوا الی الله بی نصیب نگذاری و... (فضولی، ۱۳۵۴)

در بررسی دو جلد کتاب *تحمیدیه در ادب فارسی* (ستوده، ج ۱، ۱۳۶۵ - ج ۲، ۱۳۶۹) درمی‌یابیم، همچون نمونه‌ی بالا آغازیه‌ی برخی آثار مثنوی با شعر شروع می‌شود. این شیوه از قرن نهم در ادب فارسی رواج می‌یابد. آغازیه‌ی بهارستان جامی و برهان قاطع از این گونه‌اند.

نیایش‌های مثنوی در آغازیه‌ها، گرایش نیرومند نویسندگان مسلمان را به گفتگو با خداوند بیان می‌کند، این نیایش‌ها در تمام موارد به ستایش پیوند می‌خورند و بیش‌تر به زبان عربی آمده‌اند. حال آن‌که نمونه‌های فارسی از این دست، بسیار اندکند:

^۱ و نیز در جلد سوم آغازنامه. ر.ک: (مختارنامه‌ی عطار نیشابوری، ق: ۶، ص ۱۱۶) (دیوان عمادالدین ابراهیم نسیمی بغدادی، ق: [۸]، ص ۱۳۰) (امیرنامه-

آینه‌ی اسکندری؛ امیر خسرو دهلوی. ق: ۸، ص ۳۵۲) (دیوان هاتف اصفهانی: ترجیع بند، ق: ۱۲، ص ۱۴۰) و...

^۲ . همچنین ر.ک: (مهر و ماه؛ حسینی قزوینی. ق: ۱۳، ص ۶۹۳) و...

^۳ . همچنین در جلد سوم آغازنامه. ر.ک: (هشت بهشت؛ عبدالحکیم تتوی عطا. ق: [۱۲]، ص ۱۰۴۵) و...

۳-۲-۱- نمونه‌ی کاملاً فارسی: واردات غیبی، (ق:۱۳)- الها، ملکا، کریمما، رحیما! امواج دریای فیض اقدسست را، به هرآنی تلاطمی است که از تعدادِ اجزای قطره‌ای حیرانم... (حبیب الدین محمد بن علی اصغر گلپایگانی. ص ۶۱)

۳-۲-۲- نمونه‌هایی که به زبان عربی آغاز شده‌اند: شرح زوراء. (ق:۱۰) - یا الله وفقنی بحق نبیک الکریم؛ ستایش و سپاس آن را سزد که همه سپاس و ستایش‌ها از اوست... (شجاع حسینی شاگرد محقق دوانی. ص ۱۰۴۵).^۱

با آن‌که آغازیه‌ها تا حدودی مفاهیم و مضامین مشترک دارند، براساس تفاوت‌های فردی و جهان‌بینی‌های متفاوتِ نگارندگانشان، رنگ‌ها و جلوه‌هایی گوناگون می‌پذیرند و حتی از نظام زمانه نیز تأثیر می‌گیرند و در هر قالبی (نظم یا نثر) سیمایی متناسب با ساختار به‌دست می‌آورند. آغازیه‌ها، در سه سیمای تسمیه، ستایش و نیایش، حکمِ براعت استهلال هر اثر را دارند، برای نمونه، شاهنامه‌ی فردوسی، که می‌خواهد به کالبد بی‌جان فرهنگ ایرانی روح ببخشد، باید در آغازیه‌اش بر جان و خرد تأکید کند و در گلشن راز که یک مثنوی عرفانی و غذای روح اهل دل است، باید از جان و دل سخن به میان آید.

۴- آغازیه‌های چندوجهی - در بعضی از آغازیه‌ها نویسنده، متأثر از آغازیه‌ی قرآن سعی کرده‌است، تمام یا برخی از جلوه‌های نام خدا (تسمیه، ستایش و نیایش) در آغازیه‌ی کتابش حضور یابند. این نمونه‌ها را چه در نظم و چه در نثر می‌توانیم آغازیه‌ی چند وجهی بنامیم. و در گونه‌های زیر دسته‌بندی می‌کنیم:

۴-۱- تسمیه در پیوند با نیایش - این کاربرد از آغازیه، در نظم دیده می‌شود. در نمونه‌های ذیل، ضمن آن‌که موضوع سرآغازیه‌ها، تسمیه است، روی سخن به سوی خداوند است و کلام لحن مناجات دارد؛ این‌جا تسمیه و نیایش «چون شیر و شکر به هم در آمیخته‌اند»:

مثنوی لیلی و مجنون، (ق:۶) - ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز(نظامی گنجوی. ص ۱۵۰)

^۱ . همچنین در جلد سوم آغازنامه. رک: (آداب سفر؛ حسن عسکری موسوی رضوی. ق:۱۱. ص ۵۹) (شمایل خاقان؛ میرزا ابوالقاسم قائم مقام دوم. ق:۱۳. ص ۷۷۵) (هزلیات = نائیه = ماهور = کدارماهور؛ آقا سید نصرالله. ق:۱۳. ص ۱۰۵۱) و...

مثنوی ناظر و منظور، (ق: ۱۰) - زهی نام تو سردیوان هستی تو را بر جمله هستی، پیش دستی (وحشی بافقی. ص ۷۶۶)

۲-۴ - تسمیه در پیوند با ستایش - آغازیه‌های مثنوی که با تسمیه شروع می‌شوند و با ستایش ادامه می‌یابند، می‌توانند در شمار آغازیه‌های چند وجهی قلمداد شوند، نمونه‌های نثر از این دست اندکند، آغازیه‌ی آداب المشق میرعماد که پیشتر آمد از همین گونه است. اما پیوند ستایش و نیایش در آغازیه‌های منظوم بسیار دیده می‌شود، همچون آغازیه‌ی مخزن الاسرار نظامی.

۳-۴ - نیایش در پیوند با ستایش - تقریباً تمام آثار مثنوی که با نیایش آغاز می‌شوند با ستایش ادامه می‌یابند، همین شیوه، در نظم هم به چشم می‌خورد.

تاریخ حبیب السیر، (ق: ۱۰) - [رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا]^۱ - لطایف اخبار لالی، نثار انبیا‌ی عالی مقدار [وشرایف آثار معالی دثار سلاطین ذوالاقتدار حمیدالانثر و حبیب السیر وقتی تواند بود که... (خواند میر. ص ۹۴۷)

۴-۴ - همایش تسمیه، ستایش و نیایش (آغازیه‌ی کامل) - یک آغازیه‌ی کامل آغازیه‌ای است که بتواند هر سه جلوه‌ی آغازیه را حتی بدون در نظر گرفتن ترتیب کنار هم بیاورد، آمدن تسمیه، ستایش و نیایش کنار هم یعنی برداشت و تفسیر آزاد نگارنده از سوره‌ی حمد. و این اتفاق در میان سرآمدان ادب فارسی مانند خمسه‌ی نظامی، غزلیات سعدی به خوبی نمود دارد. و بهترین همایش آن در نظم روی داده است.

آغازیه‌ی غزلیات سعدی، با تسمیه در بیت سرآغاز شروع می‌شود، سپس بی‌درنگ، با بیان صفات و نعمت‌های خداوند، ستایش الهی به میان می‌آید و در سه بیت پایانی، آغازیه‌ی زیبایش را با نیایش به درگاه خداوند ختم می‌کند:

^۱ کشف: ۱۰

(تسمیه): اول دفتر؛ به نام ایزد دانا
 (ستایش): اکبر و اعظم خدای عالم و آدم
 (نیایش): بار خدایا! مهمی و مدبر
 ما نتوانیم حقّ حمد تو گفتن
 سعدی از آنجا که فهم اوست سخن گفت

صانع پروردگار حیّ توانا
 صورتِ خوب آفرید و سیرت زیبا...
 وز همه عیبی مقدّسی و مبرا
 با همه کروبیان عالم بالا
 ورنه کمال تو، وهم کی رسد آنجا
 (سعدی، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱)

– تفاوت آغازیه با تحمیدیه – در کتاب تحمیدیه در ادب فارسی، تحمیدیه چنین تعریف شده است: «تحمیدیه در لغت به معنی مبالغت کردن در حمد و نیک ستودن و پی‌درپی ستایش کردن است و در اصطلاح علوم ادبی به معنی بسیار حمد گفتن از برای خدا و ذکر نام و ادای احترام به پیامبر اسلام محمد مصطفی در صدر خطبه‌ها و دیباچه‌ی کتاب‌ها.» (ستوده، ۱۳۶۵، ص ۶ و ۷) حال آن‌که تحمیدیه عنوان دقیقی برای دیباچه‌ی کتاب‌ها نیست چون از مفهوم واژه‌ی تحمید، تنها حمد و ثنای الهی برمی‌آید نه آراستن صدر دیباچه‌ها. و همین نگاه گذرا و برداشت ناتمام از تحمیدیه، به کتاب‌های ادبیات دبیرستان، راه یافته است: «شاعران و نویسندگان از دیرباز به رسم خطبه خوانان و گویندگان، آغاز دیوان و منظومه‌های بلند خویش را به مناجات و راز و نیاز با پروردگار و نعت و ستایش پیامبر و اولیای دین می‌آراسته‌اند. این نیایش‌ها که سرشار از مضامین لطیف و عمیق و گواه ذوق و روح لطیف گویندگان آنهاست، با حمد الهی و توصیف عظمت کبریایی حق آغاز می‌شوند.» (سنگری، ۱۳۸۲، ص ۲) آن‌چه در این کتاب درباره‌ی تحمیدیه گفته شده غلط نیست ولی نمی‌توان گفت کاملاً درست، جامع و مانع است. زیرا همان گونه که پیش‌تر گفتیم، دیباچه‌ی کتاب‌ها، فقط با نیایش و ستایش آغاز نمی‌شود، بل که در بسیاری موارد نیز کتاب‌ها (به‌ویژه مثنوی‌ها)، با تسمیه و بیان نام خداوند گشوده می‌شوند، نظیر آغازیه‌های پنج‌گنج نظامی که در کتاب فارسی عمومی از آن با نام تحمیدیه‌های لطیف و زیبای نظامی یاد شده است. این درحالی است که در دانشنامه‌ی جهان اسلام، تحمید چنین تعریف شده است:

«تحمید، گفتن یا نوشتن الحمد لله یا الحمد لله رب العالمین. مصدر منحوته (تراشیده شده‌ی) آن حمد لله است، نظیر بسم‌الله... گاهی تحمید در ابتدای کتاب‌ها و رساله‌های فارسی به صورت ترجمه آمده است. رسم

نوشتن تحمید در *انتهای نامه* به جای ابتدای آن را عبدالحمید کاتب (متوفی ۱۳۲ ه. ق) در روزگار امویان بنا نهاد. (دانشنامه‌ی جهان اسلام. encyclopaediaislamica.com). بنابراین چون هر تحمیدیه‌ای نمی‌تواند در صدر اثر قرار بگیرد بهتر است تحمیدیه‌ای که در آغاز اثر قرار می‌گیرد و ملحقاتی نیز دارد، آغازیه بدانیم و سایر ستایش‌نامه‌هایی را که در میان و پایان کتاب قرار می‌گیرند، تحمیدیه بدانیم. شاید به تساهلی مسامحه آمیز از باب مجاز مجاورت بتوان آغازیه‌ها را تحمیدیه خواند.

تحمیدیه یک عنوان خاص و فقط یکی از چهره‌های سه‌گانه‌ی آغازیه است که به غلط برای تسمیه و نیایش نیز به کار رفته است.^۱ حال آن‌که چنین مفهومی سه وجهی، می‌تواند از دل اصطلاح آغازیه برآید نه تحمیدیه. ما نمی‌توانیم آثاری را که با نیایش یا تسمیه شروع می‌شوند را نیز تحمیدیه بدانیم. خلاصه‌ی کلام این‌که تحمیدیه‌ها می‌توانند آغازیه باشند. ولی هر آغازیه‌ای تحمیدیه نیست.

– انگیزه‌های آغازیه نویسی – افزون بر انگیزه‌های روحی و روانی که عامل اعتماد به نفس نگارنده هستند و در کنار دلایل اجتماعی – سیاسی، عوامل دیگری سبب شده، نگارندگان موحد آغازیه‌ی آثار خود را بر پایه‌ی ساختار و محتوای آیات آغازین سوره‌ی حمد، پدید آورند، از آن جمله می‌توان به توصیه‌های دینی و مذهبی اشاره کرد. از مشهورترین، مستندترین و پرکاربردترین حدیث‌های مورد اعتماد همه‌ی نگارندگان مسلمان و پارسی زبان که آنان را واداشته تا آثارشان را با نام و کلام الهی آغاز کنند، این حدیث است که به دو شکل شهرت دارد:

نخست، به عنوان حدیث قدسی: «کل امر ذی‌بال لم یذکر فیه بسم الله الرحمن الرحیم فهو ابتر» (بحار، ج ۸۹، ص ۲۴۲. نقل در: جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۱۸). دیگری به عنوان حدیث نبوی: «کل امر ذی بال لم یبدأ فیه باسم الله فهو ابتر» (بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۰۵. نقل در: جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۹۶). «هرچه آغاز ندارد نپذیرد انجام» (حافظ، ۱۳۷۹، ص ۴۱۹)

^۱ . آقای منصور یارویی نیز در مقاله‌ای با عنوان: *فاتحه‌ی فکرت و ختم سخن؛ تحمیدیه در شعر فارسی بیت‌های آغازین (سرآغازیه‌ها)* را تحمیدیه قلم‌داد کرده است. (یارویی، ۱۳۸۲، ص ۶۸ و ۶۹) حال آن‌که برخی از بیت‌هایی که به آن استناد شده، مانند: *به نام خداوند جان و خرد... – به نام آنکه هستی نام از او یافت...* چون بر اساس تسمیه (انتساب دفتر شاعر به نام خداوند) شکل گرفته‌اند تحمیدیه نیستند. ایشان در ادامه نمونه‌هایی از مناجات‌های درون متنی شاعران را می‌آورد و آن‌ها را نیز تحمیدیه می‌خواند؛ مانند:

– ای خدای پاک و بی‌انباز و یار
دست گیر و جرم ما را در گذار (مثنوی)

– نظیر دوست ندیدم اگر چه از مه و مهر
نهادم آینه‌ها در مقابل رخ دوست. (حافظ)

حدیث دیگری که به موازات همین حدیث از پیامبر نقل شده است؛ نشان می‌دهد سوره‌ی حمد به اندازه‌ی بسمله، دارای اهمیت و گاهی از لوازم آن است: «کل کلام لا یبدأ فیہ بالحمد فهو اقطع» (بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۱۶. نقل در جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۵۵)

در منطق به چنین جمله‌هایی که در آن‌ها، مسندالیه با ضمیر مبهم هر، همراه می‌شود **موجبه‌ی کلیه** می‌گویند (شمیسا، ۱۳۷۷، ص ۸۴) یعنی این مهم استثنا پذیر نیست. بر پایه‌ی این احادیث، که گونه‌ای از جملات خبری در معنای هشدار هستند، مسلمانان به طور غیرمستقیم، به آغاز کارها با نام الهی امر شده‌اند. در مورد اهمیت سوره‌ی حمد و آیه‌ی آغازین آن، حدیث دیگری، از امام علی نقل شده است که گمان می‌رود نگارندگان شیعی در شیوه‌ی آغازیه‌نویسی و آغازیه‌سرایی از این حدیث تأثیر بسیار پذیرفته‌اند: «انَّ کُلَّ مَا فِی الْقُرْآنِ فِی الْفَاتِحَةِ وَ کُلَّ مَا فِی الْفَاتِحَةِ فِی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ کُلَّ مَا فِیهِ، فِی الْبَاءِ وَ کُلَّ مَا فِی الْبَاءِ فِی النِّقْطَةِ وَ اَنَا نِقْطَةٌ تَحْتَ الْبَاءِ»^۱ (ینابج الموده، ج ۱ ص ۶۸. نقل در: جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۲)

آن نقطه که زیربسم الله است آن راهنما به جانب الله است
بنوشته در آن نقطه تمام قرآن آن خال لب علی ولی الله است^۲

بدون توجه به صحت و سقم حدیث، انتساب یا عدم انتساب آن به امام علی و مخالفت یا جانبداری از آن، تأثیر این حدیث در هنر و ادب فارسی بسیار آشکار است و به نظر نگارنده این حدیث یکی دیگر از انگیزه‌های پدید آمدن آغازیه‌ها به شکل رایج، در ادب فارسی است.^۳

^۱. این حدیث به شکل دیگری نیز روایت شده: «کُلُّ مَا فِی الْقُرْآنِ فِی الْحَمْدِ وَ کُلُّ مَا فِی الْحَمْدِ فِی الْبِسْمَلَةِ وَ کُلُّ مَا فِی الْبِسْمَلَةِ وَ کُلُّ مَا فِی الْبَاءِ وَ کُلُّ مَا فِی الْبَاءِ فِی النِّقْطَةِ وَ اَنَا النِّقْطَةُ الَّتِی تَحْتَ الْبَاءِ (مستنبط، سید احمد. ۱۳۸۱). **القطره**. ترجمه‌ی محمد ظریف با عنوان: قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت. قم: الماس، ۱۳۸۱، ص ۱۷۷)

^۲. تاکنون شاعر، یا مأخذ این ابیات را نیافته‌ام، به نظرمی‌رسد این ابیات را نیز باید در دیوان **لاادری** جای داد.

^۳. در مورد تفسیر این حدیث و انتساب یا عدم انتساب آن به امام علی نظرهای متفاوتی ابراز شده است، تعداد زیادی از پیشینیان و معاصران، از جمله: **سید محمود آلوسی** در تفسیر روح المعانی، **شهاب‌الدین منصور سمعانی** (م. ۵۳۴ ه. ق) در کتاب روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح، **محبی‌الدین عربی** (م. ۶۳۸ ه. ق) در کتاب فتوحات مکیه، **لویی ماسینیون** (م. ۱۹۶۲ م.) در کتاب مصائب حلاج، این حدیث را به **ابوبکر شبلی** (متوفای ۳۳۵ ه. ق) نسبت داده‌اند، البته لازم به یادآوری است تعداد افرادی که آن را به امام علی منتسب دانسته‌اند بیشتر از مخالفان آن است، فقط مسأله‌ی بسیار مهم این است که قدیم‌ترین فرد، در گروه موافقان، **ملافتح الله کاشانی**، متوفای سال ۹۹۸ ه. ق است. (اسماعیل پور، ۱۳۷۵. اسماعیل پور، علی. (۱۳۷۵). **آیه‌ی شریفه‌ی بسم الله در فرهنگ اسلامی**. تهران: مفید. ص ۲۴) برای آشنایی با نظریات موافق با انتساب

۱- اجزای آغازیه سازنده‌ی مضامین دینی و مذهبی - تسمیه، ستایش (تحمید) و نیایش، سه ستاره‌اند که دست‌کم یکی از آن‌ها باید بر آسمان نوشته نمایان شوند، تا بتوان به آن عنوان آغازیه داد. سایر اجزای آغازیه بیشتر در پی یک، دو یا هر سه‌ی این‌ها می‌آیند، که معمولاً تا سبب نگارش کتاب ادامه می‌یابند. برای شناخت اجزای یک آغازیه، باید ریزبینانه‌تر به آن نگاه کنیم، از آنجا که هر نویسنده‌ای با توجه به گستره‌ی اندیشه و هشیاری خویش، مهم‌ترین اجزایی را که حضورشان را ضروری می‌دیده در پیشانی کتابش به کار آورده است. نباید انتظار داشته باشیم، در یک آغازیه همه‌ی اجزا را ببینیم، بخش‌های ذیل، پس از تسمیه، نیایش و ستایش می‌توانند رایج‌ترین اجزای آغازیه‌ها قلمداد شوند :

۱- بیان آفرینش - اگر در آیه‌ی **الحمد لله رب العالمین** دقیق شویم در دل واژه‌ی **ربّ**، می‌توانیم تمام داستان آفرینش را ببینیم، بنابراین حضور داستان آفرینش در آغازیه‌ها خود یکی دیگر از اثر گذاری‌های سوره‌ی حمد است.

گرشاسب نامه، ق: [۵] - سپاس از خدای ایزد رهنمای **که از کاف و نون کرد گیتی به پای**. [اسدی]
توسی. ص ۷۸۰)

مرموزات اسدی در زمزمورات داوودی، ق: ۷ و ۶: - حمد و سپاس آن خداوندی را که (به) عظمت و نوال قدرت «کن فیکون» چندین هزار هزار صنایع و غرایب و عجایب بوقلمون از شکاف کاف و نون بیرون آورد و جمله را.... (نجم‌الدین رازی. ص ۶۶۰)

۲- بیان صفتهای خداوند - هر آغازیه‌ای لبریز است از صفتهای زیبا و رنگارنگ خداوند که در سراسر آن ساری و جاری است، مطالعه و کاوش در این صفتهای راهی است برای راه‌یابی به نهان‌خانه‌ی جان شاعر.

حدیقه الحقیقه - **ای درون پرور برون آرای!** **وی خردبخش بی‌خرد بخشای** (سنایی، ۱۳۵۹)
مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. (ق: ۷ و ۸) - حمدی که لمعات صدق و نفحات اخلاص آن، دیده‌ی جان، منور و دماغ دل، معطر دارد، ثنای حضرت پادشاهی است که وجود عالم، بل عالم وجود قطره‌ای است از بحر وجود او و شهود نور ظهور، لمحهای از ظهور نور شهود او... (عزالدین محمود کاشانی. ص ۶۸۷)

۳- **شمارش نعمت‌های خداوند**- از دیگر روش‌های غیرمستقیم برای سپاس و ستایش خدا، یاد کردن نعمت‌های اوست که بر این مهم در کتاب آسمانی مسلمان بسیار تأکید شده است، در آیه‌ی سوم سوره‌ی فاطر می‌خوانیم: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفِكُونَ (۳)**^۱. می‌توان بیان نعمت‌های خداوند را گسترش یافته‌ی صفات او و صفت‌های الهی را گسترش یافته‌ی نام او دانست، با یادآوری نعمت‌ها، صفات الهی قابل درک می‌شود و شناخت صفات، درک نام‌ها را آسان می‌کند.

نظامی، به مدد آیه‌ی بسمله در آغازیه مخزن الاسرار پس از بیان رمز آمیز نام دوست، با ترکیب کلید در **گنج حکیم**، ارزش فزاینده‌ی این آیه را آشکار می‌کند، در بیت‌های بعدی، با یاری صفت‌ها و نعمت‌ها، از نام دوست رمزگشایی می‌کند؛ یعنی نخست صفت‌های خدا را بیان می‌کند سپس به بیان نعمت‌های او می‌پردازد:

کرد قبا جبه‌ی خورشید و ماه زین دو کله‌وار سپید و سیاه...
نخل زبـان را رطب نوش داد دُرِّ دهان را صدفِ گوش داد... (نظامی، ۱۳۸۵، ص ۴)

۴- **ستایش خرد** - در یک نگاه به ادیان ابراهیمی - که یهودیت، مسیحیت و اسلام، سه تجلی اصلی آن هستند و در جهان بیش‌ترین پیروان را دارند - درمی‌یابیم؛ مسیر تربیتی بشر که از یک بیان توحیدی ساده، با آدم ابوالبشر آغاز شده بود، در روزگار موسی، رنگِ تحکُّم و تعبُّد به خود گرفت، با حضور عیسی، به محبت گرایش یافت، سپس در آیین اسلام، با بهره‌گیری از عقل و تجمیع خوف و رجا به کمال حقیقی خود دست یافت.^۲ از این رو توجه به عقل یکی از افتخارات فرهیختگان امت اسلام و حقیقت این دین است. بنابراین - توجه به آن در آغازیه‌ها یکی دیگر از تجلیات روح دینی نگارنده است.

۱. همین پیام در آیه‌های ۲۳۱ سوره‌ی بقره، ۱۰۳ آل عمران، ۷ و ۱۱ مائده، ۹ احزاب تکرار شده است و در آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی اعراف به شکل **فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ** آمده است. نمونه‌های بیشتر از این دست آیه‌هایی است که در آن خداوند به بنی اسرائیل امر کرده است، نعمت‌های الهی را به خاطر آورد. و آیاتی که در بالا ذکر شد به هیچ وجه مربوط به بنی اسرائیل نیست و در همگی آن‌ها خطاب خداوند به نوع انسان است.

۲. برای آشنایی بیشتر ر.ک: (نصر، سیدحسین، ۱۳۸۲). **آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام**. ترجمه‌ی ان‌شاءالله رحیمی. تهران: جامی. ص ۴۱ تا ۴۵)

اسرارنامه، (ق:۶) - به نام آنکه جان را نوردین داد خرد را در خدا دانی یقین داد. (عطار نیشابوری، ص ۲۶۹)

فرائدالسلوک فی فضائل الملوک، ق: [۷] - سپاس و ستایش، واهب عقل و حیات و مبدع صور و ماهیات را و حمد و ثنا موجد ارواح و اشخاص و مکمل اشباح و ذوات را... (اسحاق بن ابراهیم طائی سجستانی، ص ۸۱۰)

۵ - بیان ناتوانی نگارنده: در کنار بزرگی خداوند، ناتوانی و نیاز انسان نمایان می‌شود. ناتوانی از شناخت خود و خدا - برشماری نعمت‌ها و شکر گزاری - ضعف انسان در رسیدن به مقصد، برخی از ناتوانی‌های آدمی است که در آغازیه‌ها مطرح می‌شوند. در دنیای ادب فارسی، پیشینه‌ی این بیان نیاز و استمداد را هم چنان می‌توان در سوره‌ی حمد یافت، آیه‌های ایاک نعبد ایاک نستعین (۵) اهدنا الصراط المستقیم (۶) خود بیان‌گر تمنای ناتمام آدمی و یگانه راه رستگاری است.

الهی نامه، (ق:۶) - به نام آن که مُلکش بی زوال است به وصفش، عقل صاحب نطق لال است. (عطار نیشابوری، ص ۲۷۱)

کلیات بیدل دهلوی. قرن یازدهم: حمد مبدعی که تردد انفاس اعیان کیف و کم، موقوف تحریکی است از سر انگشت ارادت او و جنبش امواج آثار حدوث و قدم مرهون شکنی از ابروی اوست... (بیدل، ۱۳۸۲).

۶ - ستایش پیامبر - ادای احترام به پیامبر، اسوه بودن شخصیت ایشان و این که مسلمانان پیامبر را خاستگاه خیر می‌دانند، نگارندگان مسلمان را بر آن می‌دارد تا در صدر کلام، نام پیامبر را بر زبان قلم، جاری کنند و هم کلام با خداوند و فرشتگان، بر او درود فرستند إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (احزاب ۵۶).

در آغازیه‌ی بسیاری از دیوان‌ها، از جمله آثار نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، سعدی و... زیر شاخه‌ای مستقل برای نعت و ستایش پیامبر به چشم می‌خورد، در مخزن الاسرار، که خود آغازین دفتر خمسه‌ی نظامی است، پنج بار پیایی (هر بار با مطلعی زیباتر) پیامبر ستوده شده است، همچنین در مثنوی‌های لیلی و مجنون، هفت پیکر و شرف نامه، نظامی پس از ستودن پیامبر، جداگانه به توصیف معراج می‌پردازد. در منطق الطیر از بیت ۲۶۵، سر فصل جدیدی از آغازیه با نعت پیامبر پدید می‌آید:

خواجه‌ی دنیا و دین گنج وفا
صدر و بدر هر دو عالم مصطفی...

بریدالسعادة، (ق:۶) - حمد باری را جلّ و عزّ که نهاد مؤمن را به عظیم فضایل و کرامت شمایل بیاراست و سواد خاطر متقی را به حلیت و راعت و زینت مودت سید صلوات الله علیه بپیراست... (ملطیوی، ۱۳۵۱):

۷ - یادکرد نیکان و دورداشت فرومایگان - در آیه‌های پایانی سوره‌ی حمد؛ (صراط‌الذین أنعمت علیهم غیر المَغضوب علیهم ولا الضالّین)، توجه به خوبان و دوری از بدکاران آشکار است، این نکته قابل توجه است که این بخش از اجزای آغازیه، در صدر آن حضور ندارد بل که با تأخّر بیشتری نسبت به دیگر اجزا می‌آید. در مصیبت‌نامه‌ی عطار پس از آن‌که اجزای مهم‌تر آغازیه بیان شد، در بیت‌های ۳۶ تا ۴۰ ضمن بیان قدرت پروردگار، اوصاف نیکان و بدکاران چنین بیان می‌شود:

مُلک، در دست شبانی می‌نهد	مَنّتِ او، بر جهانی می‌نهد
صد هزاران ساله طاعت کردنی	طوق لعنت می‌کند در گردنی...

- در آغازیه‌ی اسرارالتوحید می‌خوانیم: «... هزاران تحیت و آفرین بر روان پاک صحابه‌ی طیبین و اهل بیت او که نجوم آسمان هدایت و شمع انجمن رُشد و عنایت بودند...» (محمد بن منور، ۱۳۷۶)

با همین نگاه، حذف بسمله در سوره‌ی توبه و دور باش از منافقان، را نیز می‌توان، گونه‌ای آغازیه دانست.

۸ - یادآوری معاد - یکی از کلید واژه‌های قرآن معاد است و در آغازیه‌های آن نمونه‌های بسیاری از یاد کرد رستاخیز دیده می‌شود، این پیشینه‌ی دینی سبب می‌شود این اصل بنیادین اسلام را هم‌سنگ دو اصل دیگر (توحید و نبوت) در آغازیه‌های فارسی ببینیم، نظامی، در آغازین ابیات هفت پیکر، در کنار آفرینش به معاد نیز اشاره دارد:

ای جهان دیده بودِ خویش از تو	هیچ بودی نبوده پیش از تو
در بدایت بدایت همه چیز	در نهایت، نهایت همه چیز
(نظامی، ۱۳۸۵، ص ۵۳۷)	

چهار مقاله عروضی، (ق:۶) - حمد و شکر و سپاس مر آن پادشاهی که عالم عود و معاد را به توسط ملائکه‌ی کروی و روحانی در وجود آورد و عالم کون و فساد را به توسط آن عالم هست گردانید و بیاراست... (نظامی عروضی، ص ۶۸۰)

۹ - بیان باورهای نگارنده - از آغاز یک اثر باید منش فکری و اعتقادی نویسنده برای خواننده آشکار شود، گاهی نویسنده برای این‌که هر گمان بدی را از خود دور بدارد حتی اجزای اعتقادی خود را بیان می‌کند. به ویژه اهل فلسفه در قرن ششم ناچار بودند برای آنکه به تهمت بی‌دینی و بد دینی گرفتار نشوند آغازیه‌ی آثار خود را به آیات و احادیث بیارایند. (بهار، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۴۸) در دوره‌های مختلف برای آن‌که اثری مجوز نشر به دست آورد، باید شیعه بودن یا سنی بودن نگارنده‌ی آن قطعیت می‌یافت. بر پایه‌ی آغازیه‌ی شاهنامه در بیت‌های ۹۵ تا ۱۰۴ دیباچه‌ی شاهنامه است^۱ که فردوسی را شیعه می‌دانیم و عطار را بر پایه‌ی نعت خلفای راشدین در آغاز آثارش سنی می‌خوانیم.

اگرچه تعیین مرز برای آغازیه کار درستی نباشد، ولی در جغرافیای یک کتاب، آخرین بخش یک آغازیه را می‌توان همان جایی دانست که نویسنده سبب نگارش کتاب را مطرح می‌کند. که این شیوه در بسیاری از نمونه‌های نظم و نثر به چشم می‌خورد.

فردوسی بنیان‌گذار آغازیه‌های منظوم - برای به دست آوردن اطمینان از این موضوع نخست باید در آثار شاعران پیش از فردوسی یعنی طلایه داران شعر پارسی دقیق شویم. دریغا که از هیچ یک از نخستین شاعران پارسی‌گو، دفتر شعر کاملی به دست ما نرسیده است و امروزه ابیات پراکنده‌ای از سروده‌هایشان که زینت بخش تذکره‌ها بوده است، آنان را به ما معرفی می‌کند. با این وجود در پی یافتن ردّ و نشانی از هر کدام از این شاعران، در نسخه‌ی آزمایشی بانک اطلاعاتی نسخ خطی www.aghabozorg.ir همچنین سایت سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران www.nla.ir جست‌وجو کردیم که هیچ نشانی نیافتیم، در میان شاعران پیش از فردوسی نیز تنها دفتر شعر عنصری و منوچهری به دست ما رسیده است که هیچ نشانی از آغازیه نمی‌توان در آن یافت. از دیگر شاعران پیش از فردوسی، شعر مدونی به دستمان نرسیده است.^۲ چه بسا دیوان دیوان عنصری و منوچهری نیز دیوان کامل روزگار کهن نباشد.

^۱. کلبه‌ی ابیاتی که از شاه‌نامه نقل می‌کنیم بر اساس ۸ جلد کتاب شاه‌نامه به کوشش جلال خالقی مطلق (۱۳۸۶)، نشر دایره‌المعارف بزرگ اسلامی است.

^۲. برخی از شاعران پیش از فردوسی که دیوان شعر آنان در دست نیست عبارتند از: محمدبن وصیف سگری - بسام کرد شبستری - محمدبن مخلد سیستانی - حنظله بادغیسی - محمود وراق هروی - فیروز مشرقی - ابوسلیک گرگانی - ابواسحاق ابراهیم بن محمد بخاری جویباری - ابوالموید رونقی بخاری - ابوحفص سغدی - مسعودی مروزی - ابوطیب مصعبی - شهید بلخی - رودکی - ابوشعب هروی - ابوزراعہ معمری - جرجانی - خبازی نیشابوری - معروفی بلخی - ابوالموید بلخی - ابوشکور بلخی - ابوالعباس فضل بن عباس ربنجی - منطقی رازی - ابوطاهر

در میان معاصران فردوسی، دفتر شعر فرخی، کسایی مروزی و رباعیات ابوسعید ابی‌الخیر از سایرین کامل‌تر است اما نشانی از آغازیه سرایی نمی‌توان در آن یافت.^۱ برپایه‌ی نمونه‌های موجود، به نظر می‌رسد؛ حکیم توس، در تأثیر پذیری از آیه‌ی بسمله و آغاز منظوم، با نام خدا، طلایه‌دار باشد. حتی می‌توان او را پایه‌گذار سنت کهن ادبی آغازیه در شعر دانست. و دیگر شاعران آغازیه‌سرا را باید پیروان فردوسی دانست.

حضور آغازیه در یکایک نامه‌های شاه‌نامه، خود دلیل دیگری است بر این که احتمال دارد فردوسی پدیدآورنده‌ی این سنت ادبی باشد. زیرا هنگامی که یک فرد خلاق به اکتشافی دست می‌یابد، بی‌تردید، این کشف دستمایه‌ی اصلی کارش خواهد شد و غالب این‌که گذشته از تکرار پیاپی این سنت ادبی در شاه‌نامه، آغازیه‌های متن شاه‌نامه در دو گستره قابل نقد و بررسی است:

۱- آغازیه در گفتار و رفتار- می‌توان در رفتار و گفتار فرهیختگان شاه‌نامه، آغازیه را رصد کرد، شخصیت‌های یکتا پرست و راست‌کردار در جای جای داستان، امور مهم را با نام و یاد خدا آغاز می‌کنند. هنگامی که زال موبدان را فرا می‌خواند تا درباره‌ی رودابه با آنها مشورت کند، در آغاز جلسه سخنش را با نام خدا آغاز می‌کند:

نخست آفرین بر جهاندار کرد که بخت چنان خفته بیدار کرد (ج ۱، ص ۲۰۲)

هم‌چنین در آغاز خوان دوم، با طلوع آفتاب، رستم از خواب برمی‌خیزد و سفرش را با نام خدا آغاز می‌کند:

تن رخس بسترد و زین برنهاد زیزدان نیکی دهش کرد یاد (ج ۲، ص ۲۳)

طیب بن محمد متخلص به خسروانی - بشار مرغزی - ابوالمثل بخاری - رابعه بلخی - منصور بخارایی همچین ر.ک. دبیر سیاقی، محمد. (۱۳۷۴). *پیش‌آهنگان شعر پارسی*. (سده‌های سوم و چهارم و آغاز سده‌ی پنجم هجری)، تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - لازار، ژیلبر. (۱۳۴۱ ه.ش: ۱۹۶۲ م). *اشعار پراکنده‌ی قدیمی‌ترین شعرای پارسی زبان*، ج ۲. (گرد آوری)، تهران: انیسیتو ایران و فرانسه. - اداره چپ‌گیلانی، احمد. (۱۳۷۰). *شاعران هم‌عصر رودکی*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

^۲. سایر معاصران فردوسی که دیوان شعر ندارند عبارتند از: دقیقی توسی - آغاجی بخارایی - بدیع بلخی - طاهر چغانی - منجیک ترمذی - محمد عبده کاتب - ابوابراهیم اسماعیل بن نوح بن منصور بن نصر مشهور به منتصر - غضایری رازی - عسجدی مروزی - ابوالفرج سگری - ابوالفتح علی بن محمد بُستی - ابوالحسن علی بهرامی سرخسی - ابوبکر علی بن محمد خسروی - حکیم میسری - ابو منصور عماره بن محمد مروزی.

در خوان چهارم نیز رستم شراب نوشیدن را با نام خدا آغاز می‌کند:

یکی طاس می بر کفش بر نهاد ز دادار نیکی دهش کرد یاد
چو آواز داد از خداوند مهر دگرگونه تر گشت جادو به چهر
روانش گمان نیایش نداشت زبانش توان ستایش نداشت (ج ۲، ص ۳۰)

این چنین رفتارهایی در میان قهرمانان شاه‌نامه بسیار به چشم می‌خورد و این موضوع می‌تواند دستمایه‌ی مناسبی برای پژوهش در شاه‌نامه باشد. همین نکته ما را بر آن می‌دارد بگوییم؛ فردوسی به حدیث نبوی که می‌فرماید: «هر کار مهمی بدون نام خدا آغاز شود نا تمام است.» توجه ویژه نشان داده است.

۲- آغازیه در نوشتار- در نامه‌های قهرمانان شاه‌نامه نیز می‌توان آغازیه را بررسی کرد، بیشتر نامه‌های کلیدی شاه‌نامه با سنت آغازیه نویسی و نام خدا شروع می‌شوند. اولین نامه‌ای که با نام خدا آغاز می‌شود نامه‌ی فریدون به سلم و تور است:

سر نامه کرد آفرین خدای کجا بود و باشد همیشه به

جای (ج ۱، ص ۱۱۶)

این نکته قابل تأمل است که در نامه‌های بدکاران، هرگز آغازیه جایگاهی ندارد. برای نمونه محضر سراسر دروغ ضحاک، با نام خداوند نیز بیگانه است و نامه‌های سلم و تور و دیگر ضدقهرمان‌های شاه‌نامه نیز خالی از نام خداست. در نامه‌های شخصیت‌های مثبت و قابل ستایش آغازیه‌ها رنگ هنری می‌گیرند و مضامینی زیبا می‌آفرینند، در چنین نامه‌هایی، فردوسی برای آغازیه برپایه‌ی موضوع یا ویژگی‌های قهرمانان، واژه‌گزینی می‌کند. حکیم توس دومین نامه‌ی سیاوش به پدر را چنین آغاز کرده است:

نخست آفرین کرد بر دادگر کزو دید نیرو و فرّ و هنر

خداوند هوش و زمان و توان خرد پروراند همی با روان (ج ۳، ص ۲۶۱)

در این ابیات واژه‌های دادگر، نیرو، فرّ، هنر، هوش، توان و پرورش خرد و روان با شخصیت سیاوش بسیار سازگار است و هم این جاست که توانایی شگفت‌انگیز فردوسی در آغازیه سرایی آشکار می‌شود. او

که شاه نامه را بر پایه‌ی خردورزی بنیان نهاده است، آغازیه سرایی را ادای دین به خرد می‌داند، چنان که در نامه‌ی سیاوش به افراسیاب می‌خوانیم:

نخست آفریننده را یاد کرد
ز وام^۱ خرد جانش آزاد کرد
کرد

اکنون با توجه خلاقیت خارق العاده‌ای که در کار فردوسی نمایان است، می‌توان ادعا کرد؛ فردوسی نخستین آغازیه سرای فارسی است که آغازیه سرایی، از یافته‌های شخص او و یکی از دستمایه‌های مهم شاهنامه بوده است. از این رو شاهنامه را باید سرسلسله‌ی مثنوی‌های فارسی دانست.^۲

نظامی، نقطه‌ی اوج و عطف آغازیه سرایی - مقایسه‌ی نمونه‌ها نشان می‌دهد نظامی توانسته است، «به لفظ اندک و معنی بسیار» آغازیه‌های تازه‌ای در شعر فارسی پدید بیاورد که زیباترین هم باشد، او را باید بنیان گذار موج نویی در این سنت ادبی دانست. حضور آغازیه، بر صدر هر پنج دفتر او از جمله امتیازات کار نظامی است و کمتر شاعری تا زمان نظامی به این اندازه به آغازیه سازی توجه کرده است.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین نوآوری نظامی، سرودن سرآغازیه‌های تازه و پُرباری است که بر ساختار تسمیه بنا شده و نسبت به آثار گذشتگان تازه‌اند، ولی آیندگان به طور مشخص از آن تاثیر گرفته‌اند. در این گستره، تأثیر خلاقیت او بر شاعران پس از خود (حتی سعدی) آشکارا نمایان است

در آغازیه‌ی چهار دفتر، تسمیه به چشم می‌خورد که سه تا از این تسمیه‌ها به ترتیب (دفتر اول تا سوم) از تأثیرگذارترین آغازیه‌ها بر نظم بوده‌اند و ما در ادامه به بررسی این سه می‌پردازیم.

در خصوص ارزش‌های سرآغاز مخزن‌الاسرار تا بدین جا سخن‌ها گفتیم نمونه‌ها (به‌ویژه بر مبنای آغازیه‌ی حدود بیست هزار نسخه‌ی خطی در کتاب آغازنامه) نشان می‌دهد کاربرد عین عبارت بسمله در شعر سابقه ندارد و تمام کسانی که آغازیه‌های کتاب‌هایشان را با این آیه شروع کرده‌اند، از نظامی

^۱. با توجه به این که ابیات شاه نامه را براساس نسخه‌ی خالقی مطلق نقل می‌کنیم، لازم به یادآوری است این واژه در نسخه‌ی خالقی مطلق

فام گزارش شده است و در نسخه‌ی کزازی وام آمده است که صحیح تر به نظر می‌رسد این بیت از نسخه‌ی کزازی (ج ۳ بیت ۲۰۴۶)

ذکر شد. گرچه فام یا وام در حقیقت مورد نظر پژوهنده تغییری پدید نخواهد آورد.

^۲. این ادعا به استناد میراث مکتوبی است که امروز در دسترس ماست و نگارنده با جمع بندی مستندات، قراین و شواهد به این نتیجه رسیده است، با این وجود، این پرونده می‌تواند به عنوان یک پرسش علمی، هم‌چنان پیش چشم اهل پژوهش گشوده بماند.

تأثیر گرفته‌اند، این بیت از ابیاتی است که بیشترین تأثیر را بر آغازیه‌های منظوم گذاشته‌است و پیش‌آهنگ شاعران بسیاری بوده، محتوای آغازین آیه‌ی قرآن کریم که از نظمی آهنگین برخوردار است. تا پیش از نظامی به طور ناخودآگاه، مورد توجه همه‌ی نویسندگان مسلمان بوده است. نظامی گنجوی نخستین کسی است که متوجه این تناسب آوایی شد و با جسارت تمام، عین آیه را در بحر سریع مُسَدَّس مطوی موقوف **مفتعلن**، **مفتعلن فاعلان** گنجانده که پس از او در ۱۸۵ منظومه از این مصرع ارزشمند تقلید شده است.

از امام جعفر صادق نقل شده است: «لَا تَدْعَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ إِنْ كَانَ بَعْدَهُ شِعْرًا» (نورالثقلین، ج ۱، ص ۶، نقل در جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۱۸) مفهوم این حدیث به اثبات این فرضیه کمک می‌کند و چون بسم الله الرحمن الرحيم با ساختار آوایی نظم، هماهنگی و تناسب دارد پس از نظامی، پیش چشم شاعران قرار گرفته است. نمونه‌های عربی و فارسی نیز این ادعا را ثابت می‌کند.

خسرو و شیرین: به نام آنکه هستی نام از یافت فلک جنبش، زمین، آرام از او یافت

تردید نیست این بیت که پس از نیایشی کوتاه آغاز دفتر خسرو و شیرین را آراسته است، ساختار به نام... را از فردوسی اخذ کرده و برپایه‌ی نمونه‌های موجود نسخ خطی و چاپی گمان می‌رود، پس از سنایی در کتاب روشنایی‌نامه، نظامی نخستین کسی باشد که از این ترکیب بهره‌گرفته باشد، ترکیب به نام آن‌که... پس از بسم... الرحمن الرحيم پر بسامدترین بیت سرآغاز، در نظم فارسی است که نمونه‌های فراوان دارد.

سرآغاز لیلی و مجنون: ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

آنچه این بیت را بی‌نظیر کرده ترکیب تسمیه و نیایش است، برپایه‌ی نمونه‌ها در کتاب آغازنامه گمان می‌رود، نظامی نخستین شاعری باشد که آغازیه‌ای دارد که با ای نام... شروع می‌شود. شمار تأثیرگذاری این آغازیه بر شاعران پس از خود نسبت به دو آغازیه‌ی قبلی کمتر است.

سنت آغازیه نویسی در نثر معاصر، شاید تحت تأثیر ادبیات اروپا، یا فراموش می‌شود و یا به نهایت فشردگی خود می‌رسد، به طور مثال بدیع الزمان فروزان‌فر در آغازیه نویسی به نوشتن بعد الحمد و الصلاه، اکتفا می‌کند.

آغازیه سرایی در شعر معاصر کلاسیک نیز به دشواری به حیات خویش ادامه می‌دهد^۱، اما در شعر نو تقریباً بی نشان است.

۱. ر.ک. : . میرخانی، سیدحسین. (۱۳۷۴). دیوان بنده. به کوشش سید محمد علی میرخانی. بی جا. ناشر نامعلوم. حسن زاده‌ی آملی، حسن.

(۱۳۷۳). دیوان اشعار. به خط امیراحمد فلسفی. تهران: نشر فرهنگی رجا. -

فهرست مآخذ:

متن های مقدس:

- ۱- اوستا. (۱۳۷۹) گزارش و پژوهش: جلیل دوست خواه تهران: مروارید.
- ۲- ترجمه‌ی گزیده‌ی سرودهای ریگ ودا. (۱۳۷۲). قدیمی ترین سند زنده‌ی مذهب و جامعه‌ی هندو. تحقیق، ترجمه و مقدمه: سید محمدرضا جلالی نایینی. تهران: نقره.
- ۴- زبورمانوی. (۱۳۷۵). گردآوری سی. آر. سی. آلبری. گزارش فارسی: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز.
- ۵- کتاب مقدس. (۲۰۰۲). عهد عتیق و عهد جدید. ترجمه‌ی قدیم. بی جا: ایلام.
- ۶- قرآن
۷. هویدگمان. (بی.تا). یک شعر بلند مانوی، ترجمه از متن پهلوی اشکانی مانوی؛ ایرج وامقی. (بی-جا): پیوست ماهنامه‌ی فروهر (بی.نا)

سایر متون:

۸. اداره چی گیلانی، احمد. (۱۳۷۰). شاعران هم عصر رودکی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
۹. اسماعیل پور، علی. (۱۳۷۵). آیه‌ی شریفه‌ی بسم الله در فرهنگ اسلامی. تهران: مفید.
۱۰. امینی، محمدحسین. (۱۳۸۵). آغازنامه؛ فهرست آغاز نسخه‌های خطی ج ۱ و ۲؛ نسخه‌های عربی. زیر نظر سید حسین مرعشی نجفی. قم: کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی.
۱۱. _____ . (۱۳۸۵). آغازنامه؛ فهرست آغاز نسخه‌های خطی، ج ۳؛ نسخه‌های فارسی. زیر نظر سید حسین مرعشی نجفی. قم: کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی.
۱۲. برهان (محمد حسین بن خلف تبریزی). (۱۳۶۷). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.
۱۳. بغدادی، بهاءالدین محمد بن مؤید. (۱۳۱۵). التوسل الی التوسل. مقابله و تصحیح: احمد بهمنیار. تهران:

۱۴. بهار، محمدتقی . (۱۳۷۹). **ترجمه‌ی چند متن پهلوی؛** به کوشش محمد گلبن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. بیدل دهلوی، عبدالقادر. (۱۳۸۲). **کلیات بیدل: ج ۱ و ۲.** تصحیح: اکبر بهداروند. تهران: کتاب نیستان.
۱۶. جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۸۱). **بهارستان مولانا عبدالرحمن جامی.** تصحیح اسماعیل حاکمی. تهران: اطلاعات.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱). **تسنیم: تفسیر قرآن کریم.** ج ۱. تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم: اسراء.
۱۸. حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۱). **دیوان حافظ: تدوین سلیم نیساری.** تهران: یساولی.
۱۹. حسن زاده‌ی آملی، حسن. (۱۳۷۳). **دیوان اشعار.** به خط امیراحمد فلسفی. تهران: نشر فرهنگی رجا.
۲۰. خرّمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۷). **قرآن شناخت.** (مباحثی در فرهنگ و فرهنگ آفرینی قرآن) تهران: ناهید.
۲۱. دبیرسیاقی، محمد. (۱۳۷۴). **پیش‌آهنگان شعر پارسی.** (سده‌های سوم و چهارم و آغاز سده‌ی پنجم هجری)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. رازی، نجم‌الدین. (۱۳۸۶). **مرموزات اسدی در مزمورات داودی.** مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۲۳. رزم‌جو، حسین. (۱۳۷۰). **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی.** مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۴. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). **سِرِّنی.** تهران: علمی.
۲۵. ستوده، غلامرضا؛ نجف زاده بارفروش، محمدباقر. (۱۳۶۵). **تحمیدیه در ادب فارسی.** ج ۱. بی جا: جهاد دانشگاهی.
۲۶. _____ (۱۳۶۹). **تحمیدیه در ادب فارسی.** ج ۲. بی جا: جهاد دانشگاهی.
۲۷. سعدی، شرف‌الدین (مُشَرَّف‌الدین) مُصلح بن عبدالله. (۱۳۸۵). **کلیات سعدی.** تصحیح محمد علی فروغی. تهران: هرمس
۲۸. _____ (۱۳۷۱). **غزلیات سعدی.** ویرایش: میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
۲۹. سنایی، ابوالمجد محدود بن آدم. (۱۳۵۹). **حدیقه الحقیقه.** تصحیح مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

۳۰. سنگری، محمدرضا؛ ذوالفقاری، حسن؛ غلام، محمد. (۱۳۸۲). *زبان و ادبیات فارسی (۲ عمومی)* دوره‌ی پیش دانشگاهی. تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۳۱. سیف فرغانی، محمد. (۱۳۶۴). *دیوان سیف‌الدین محمد فرغانی: دوره‌ی کامل*. تصحیح و مقدمه‌ی ذبیح الله صفا. تهران: فردوسی.
۳۲. شبستری، شیخ محمود. (۱۳۶۸). *گلشن راز*. به اهتمام صمد موحد. تهران: طهوری.
۳۳. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). *انواع ادبی*. تهران: فردوس.
۳۴. _____ (۱۳۷۷). *معانی*. تهران: میترا.
۳۵. عطار نیشابوری. (۱۳۸۴). *منطق الطیر*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۳۵. _____ (۱۳۸۶). *اسرار نامه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۳۷. _____ (۱۳۸۷). *الهی نامه*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
۳۸. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). *شاهنامه (جلد ۱ تا ۸)*. به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۹. فضولی، محمد سلیمان اوغلی. (۱۳۵۴). *رند و زاهد*. به کوشش کمال ادیب کورکچو اوغلو با مقدمه‌ی ح. صدیق. تهران: دنیای کتاب.
۴۰. کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۹). *نامه‌ی باستان*. ج ۳ ویرایش و گزارش شاهنامه‌ی فردوسی. تهران: سمت.
۴۱. لازار، ژیلیر. (۱۳۴۱ ه. ش: ۱۹۶۲ م). *اشعار پراکنده‌ی قدیمی ترین شعرای پارسی زبان*، ج ۲. (گرد آوری)، تهران: انیسیتو ایران و فرانسه.
۴۲. ماهیار نوابی، یحیی. (۱۳۷۴). *یادگار زریران: متن پهلوی، با ترجمه‌ی فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه*. تهران: اساطیر.
۴۳. مستنبط، سید احمد. (۱۳۸۱). *القطره*. ترجمه‌ی محمد ظریف با عنوان: *قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت*. قم: الماس.
۴۴. ملطیوی، محمدبن غازی. (۱۳۵۱). *برید السعادة*. به کوشش: محمد شیروانی. تهران: دانشگاه تهران.
۴۵. محمد بن منور. (۱۳۷۶). *اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابوسعید*. مقدمه، تصحیح، تعلیقات: شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.

۴۶. میرخانی، سیدحسن. (۱۳۷۴). **دیوان بنده**. به کوشش سید محمد علی میرخانی. بی جا. ناشر نامعلوم.
۴۷. میرعمادالحسنی. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). **رساله‌ی خط موسوم به آداب المشق**. به خط کیخسرو خروش. تهران: انجمن خوشنویسان. چاپ: دوم.
۴۸. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۲). **آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام**. ترجمه‌ی ان‌شاءالله رحیمی. تهران: جامی.
۴۹. نظامی عروضی سمرقندی. (۱۳۷۲). **چهارمقاله‌ی نظامی عروضی سمرقندی**. تصحیح محمد قزوینی شرح لغات: دکتر محمد معین. تهران: جامی.
۵۰. نظامی گنجوی، ابومحمد الیاس بن یوسف. (۱۳۸۵). **خمسه‌ی نظامی**. چاپ مسکو؛ باکو. تهران: هرمس.
۵۱. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۷). **فرهنگنامه‌ی قرآنی**. ج ۲؛ ناظر. مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس
۵۲. یعقوب، امیل بدیع. (۱۳۸۵ هـ. ش). **موسوعه‌ی النحو و الصرف و الاعراب**. تهران: استقلال.

نشریات:

۵۳. یارویسی، منصور. "فاتحه‌ی فکرت و ختم سخن: تحمیدیه در شعر فارسی". **کیهان فرهنگی** ۲۰۱. تیر ۱۳۸۲: ص ۶۸ - ۶۹

سایت‌ها:

۱. بانک اطلاعات نسخ خطی شیخ آقا بزرگ تهرانی aghabozorg.ir
۲. سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران www.nlai.ir
۳. دانشنامه‌ی جهان اسلام. www.encyclopaediaislamica.com
۴. دانشنامه‌ی آزاد ویکی پدیا wikipedia.org